

بہ نام پروردگار مہربان

درک مطلب عربی کنکور

+ لغت نامہ الفبائی

دہم | یازدہم | دوازدہم

مہران ترکمان



لقمہ طلائی



مہروماہ

۳ ارائه لغت‌نامه الفبایی از کتاب‌های هفتم تا دوازدهم، یعنی هر جا ترجمه لغتی رو بلد نبودی، واژه‌نامه رو نگاه می‌کنی و معنی کلمه رو می‌فهمی، به همین راحتی!

امیدوارم که با نوشتن این کتاب قدم کوچکی در راه طولانی موفقیت شما برداشته باشم و این کتاب باعث پیشرفت و رشد شما بشه. ضمناً ممنون میشم اگر در کتاب هر نوع غلط، کج‌سلیقگی و کاستی دیدید به ما اطلاع بدین و ما رو از نظراتتون بهره‌مند کنید.

در پایان تشکر می‌کنم از

- جناب آقای احمد اختیاری مدیریت محترم انتشارات
- سرکارخانم سیاوشی مدیر واحد تولید
- جناب آقای عباس حیدری همکار تألیف
- همکاران بخش ویراستاری سرکارخانم‌ها یعقوبی، حیدری و اختریان.
- همکاران بخش تولید آقایان صفایی و ماهر و خانم‌ها حسینی و سپهریان.

مهران ترکمان / بهار ۹۹

 arabi.mehran.torkaman

صفحه اینستاگرامی آموزش عربی

فهرست

- ۷ بخش اول: درسنامه درک مطلب
- ۲۳ بخش دوم: سوالات درک مطلب
- ۱۶۹ بخش سوم: پاسخنامه سوالات
- ۲۸۹ بخش چهارم: لغتنامه الفبایی



استراتژی رفتار با متن

مهم‌ترین موضوع قبل از هر چیز پاسخ به این سؤال است که «چگونه و طی چه مراحل می‌توانیم متن را بفهمیم و ترجمه کنیم؟» در واقع اولین مشکل داوطلبین این است که متن و سؤالات آن را نمی‌فهمند. برای حل این مسئله چه کنیم؟ پاسخ این است که باید دقیقاً مطابق با دستورالعمل زیر حرکت کنید:


۱ لغات عربی دهم تا دوازدهم را ابتدا از متن کتاب درسی به صورت درس به درس و سپس از انتهای کتاب، قسمت «مُعجم» بخوانید.

۲ لغات کتاب‌های هفتم تا نهم را تندخوانی کرده و کلماتی که فکر می‌کنید یادتان خواهد رفت یا برایتان جدید است را علامت‌گذاری کنید.

البته برای سهولت کارتان می‌توانید از لغت‌نامه کتاب «جمع‌بندی عربی» یا کتاب «لُقمة قواعد عربی» مهروماه که تمام کلمات هفتم تا دوازدهم را به صورت الفبایی جمع کرده استفاده کنید. دقت کنید که هنگام لغت‌خوانی کلماتی که بیش از یک معنی دارند را خوب یاد بگیرید؛ مثل «أخذ»: گرفت، برداشت، بُرد

۳ مهم‌ترین بخش کارتان این است که پس از مطالعه لغات، به متن خوانی بپردازید؛ یعنی اینکه به سراغ متن‌های سبز رنگ (آسان) دهه ۸۰ یا اوایل دهه ۹۰ (۹۰، ۹۱) بروید و ۱۰ تا ۱۵ سری درک مطلب را به همراه سؤالات آن روخوانی کنید، یعنی متن و ترجمه را کنار هم قرار دهید و ببینید، درست مثل رُمان خواندن، اصلاً نیازی به حل سؤالات نیست و خیلی راحت ترجمه و بررسی متن و سؤالات را از پاسخ‌نامه ببینید.

مثلاً اگر در متنی نتیجه گرفته شده که «تلاش به تنهایی باعث موفقیت نیست بلکه نیاز به فکر و برنامه‌ریزی دارد.» حتماً یادداشت کنید تا به محض دیدن موضوعات منطقی در گزینه‌ها، آن‌ها را انتخاب نکنید. ضمناً فراموش نکنید رسیدن به تسلط در سؤالات متن یک فرایند مشخص و تعریف‌شده دارد و حدود دو ماه زمان می‌برد تا بتوانید با اطمینان به این سؤالات پاسخ دهید. پس عجل‌نباشید و سعی کنید از هر متن درس بگیرید و یک تجربه کسب کنید (نحوه استدلال، مفهوم کلیدی، گاهی متن ساده است ولی سؤالات آن سخت است و برعکس...).

 در ابتدا احتمالاً تعداد اشتباهاتتان زیاد است اما به‌زودی خواهید دید که به نتیجه مطلوب می‌رسید. فقط طبق دستورالعمل و مداوم عمل کنید. نکات مطرح‌شده تا به اینجا، مربوط به رفتار و برخورد شما برای شروع و نهایتاً به تسلط رسیدن روی متن بود. اکنون می‌خواهیم به بررسی دقیق متن‌های کنکور بپردازیم، تجربیات مختلف را در اختیار شما قرار دهیم، سؤالات و متن‌ها را تیپ‌بندی کنیم، راه‌حل ارائه دهیم و اصولاً هر آنچه را باید از درک مطلب بدانید، به شما بگوییم.

متن، زیر ذره‌بین

◀ حجم متن‌ها:

در کنکورهای اخیر (۵ سال گذشته)، حجم و اندازه متن معمولاً ۶ تا ۷ خط بوده است، البته گاهی کمتر و گاهی هم بیشتر می‌شود، اما قطعاً در کنکور متن ۴ خطی یا مثلاً ۱۰ خطی نخواهید دید و استاندارد همیشگی ۶ تا ۷ خط است.


شبهات دارند پس این شبهات نهایتاً در موضوع کلی است نه در جملات. (مثلاً ویژگی‌های زبان عربی هم در کتاب آمده هم در کنکور اما ۲۰٪ مطالب این دو منبع همسو یا یکسان بودند)

با نگاه به متن‌های ده سال اخیر متوجه می‌شویم که موضوعاتشان در دسته‌بندی‌های زیر قرار می‌گیرند. بد نیست آن‌ها را ببینید تا قبل از خواندن سؤالات، یک ذهنیت کلی درباره موضوعات داشته باشید.


۱. متن‌های واقعی و علمی:

- تاریخی؛ مثل تأثیر زبان عربی و فارسی بر هم، اسطوره‌ها و...
- طبیعت؛ مثل زندگی موجودات صحرائی، ویژگی قطب شمال و جنوب، درخت خرما و ویژگی آن و...
- حیوانات؛ مثلاً ویژگی گرگ، شکار کردنش، توانایی‌اش و...
- تکنولوژی؛ مثل کامپیوتر، کشتی، هواپیما، مسائل روز و...

۲. متن‌های مفهومی و استدلالی یا عبرت‌آموز:

 **مثال:** روزگار بالا و پایین دارد و تلخ و شیرین زندگی کنار هم هستند.

 **مثال:** فقر باعث پیشرفت، انگیزه و رشد می‌شود.

 **مثال:** تفاوت دوست و دشمن و نقش آن‌ها در پیشرفت یا پسرفت ما

 **نکته** بسیار مهم درباره محتوای متن‌ها این است که بارها دیده‌ایم

موضوع متن، در سال‌های مختلف تکراری بوده است؛ مثلاً تاکنون ۶

بار درک مطلب‌های کنکور درباره «تأثیرگذاری زبان عربی و دین اسلام

بر زبان فارسی و ایرانیان» بوده است، یا بیش از ۵ بار این موضوع که

«زندگی انسان به‌همراه سختی و آسانی است و بالا و پایین‌های خاص

خود را دارد.» مطرح شده است. به‌همین دلیل تأکید داشتیم که هنگام

تپشناسی و کالبدشکافی انواع سؤالات متن


در قسمت پاسخ‌های تشریحی، تمام گزینه‌ها با علت رد یا قبول شده‌اند که همین استدلال‌ها و علت‌ها بهترین معیار برای شما خواهد بود، اما بد نیست قبل از آن به‌طور کلی به مدل سؤالات رایج و روش عمومی و کلی پاسخ‌دهی اشاره کنیم. البته دقت کنید که هدف ما این نیست که با توضیح و تشریح زیاد انواع مدل‌ها و تیپ‌های ممکن الطرح و ارائه مطالب حجیم، مفصل و تکراری شما را خسته و سردرگم کنیم، بلکه در این بخش می‌خواهیم با هم مدل‌های منطقی، عرف سؤالات و راهکاری پیشنهادی آن‌ها را بیاموزیم. هرچند واقعاً بهترین راه برای تسلط و رد گزینه و به جواب رسیدن، پاسخ تشریحی مستدل و دقیق برای همان تست است. اما این جا اصول ضروری و مهم را به شما خواهیم گفت.


۱ سؤالات مُقید به متن، مربوط به جزئیات و بخش خاصی از متن

فرض کنید متنی به شما می‌دهند که درباره ویژگی‌های مختلف دوست، یافتن دوست، وظایف آن، تفاوت دوست واقعی و دوست سودجو و ویژگی‌های هر کدام و... است. اگر در یکی از سؤال‌ها از شما پرسید «دوست واقعی چه کسی است؟» این سؤال می‌شود «سؤال مقید به متن»؛ زیرا در متن دقیقاً به دوست واقعی و ویژگی‌های آن اشاره شده است.

در این گونه سؤالات کافی است در حیطه اطلاعات متن حرکت کنید و فقط همان بخش مشخص و مدنظر سؤال را بخوانید، کلمه کلیدی یا مترادف و هم‌مفهوم آن را در متن بیابید و از مفهوم‌گیری به شدت پرهیز کنید،

براساس دو چیز؛ اول «متن» و دوم «منطق خودتان» که کدام گزینه نسبت به دیگری «بهتر» است. یک مثال دیگر ببینید:
گزینه «۱»: سعی و تلاش باعث موفقیت است.
گزینه «۲»: صبر و حوصله باعث موفقیت است.
آیا اگر انسان فقط صبر کند و حوصله داشته باشد می‌تواند موفق باشد؟
پس نقش تلاش و فعالیت و حرکت چه می‌شود؟ بنابراین در چنین مقایسه‌ای گزینه اول درست است.

 نکته دیگری که باید به آن دقت کنید این است که در سؤالات «مفهوم متن» غالباً گزینه‌هایی که از کلمات و نمادهای به‌کار رفته در متن استفاده کرده‌اند، غلط هستند؛ چون جزئی می‌باشند. مثلاً فرض کنید متن درباره زنده شدن طبیعت در بهار و توقف فعالیت آن در پاییز است و مفهوم کلی متن به این سمت و سو حرکت کرده که «زندگی انسان نیز چنین است و بالا و پایین دارد، بهار و خزان دارد». در سؤال مفهوم از چنین متنی، نباید گزینه‌ای را که از کلمات درخت، طبیعت، بهار، پاییز و اصولاً جزئیات حرف زده انتخاب کنید بلکه باید عبارات کلی‌تر و مفهومی‌تر مد نظرتان باشد. مثلاً عبارت «رسم دنیا این است، روزی با تو است و روزی علیه تو، پس مغرور یا مأیوس نشو.» می‌تواند مفهوم خوبی باشد.

 **تذکر:** به‌عنوان یک نکته همیشه‌گی و پای ثابت تست‌ها دقت کنید گزینه‌هایی که قیده‌های کلی، جزئی یا مطلق دارند، نمی‌توانند پاسخ باشند؛ مثلاً «همیشه... هرگز... همه... هیچ‌گاه... فقط...».



متن

1



رياضي ٩٨

حينما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد، و بعد أن نقرب منها، نرى أشجار النخل الجميلة. كما أن لهذه الشجرة أهمية مادية كبيرة، حيث يُشكّل نوع منها في بعض المناطق أساساً لمعيشة الكثير من السكان، كما أنه غذاء رئيسي في بعض المناطق الصحراوية، و بعض أثمارها تُجفّف و تُرسل إلى مناطق أخرى!

للنخل أنواع مختلفة، حيث يُوجد حوالي ١٥٠٠ نوع يختلف مع بعضها؛ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (= يُعدّ) من أهمها، و نخيل الزيت الذي يُستعمل في صنع الصابون و مواد التجميل!

يبلغ ارتفاع النخل ٢٧ متراً و جذعه خشن جداً، لأنّه عبارة عن بقايا غصن النخل الذي يسقط أو يُقَطع عند نمو الشجرة الكثير!

١. عيّن الصحيح:

- (١) يُجفّف التمر في المناطق التي يُرسل إليها!
- (٢) نرى النخل جذاباً من البعيد و من القريب!
- (٣) إن كان التمر أساساً للمعيشة لا يُرسل إلى المناطق الأخرى!
- (٤) بعض ساكني المناطق الصحراوية لا يستطيعون أن يأكلوا إلا التمر!

٢. عَيْن الصَّحِيح عن شجرة النخل:

(١) يبلغ ارتفاعها إلى سبعة و عشرين متراً لكن غصونها أكثر طولاً و خشونة!

(٢) أنواعه متعدّدة تصل إلى ألف و خمسمائة ولكن أثمارها من نوع واحد!

(٣) لا منطقة في الأرض إلا و فيها التَّمْر يُعرف كمادّة غذائيّة!

(٤) أهمّ أنواعها نخيل التَّمْر و نخيل الزَّيت!

٣. عَيْن الخَطَأ: من فوائد النَّخْل أَنَّهُ

(١) مناظره رائعة جدّاً في المناطق الحارّة التي لا نرى فيها أشجاراً خضراء!

(٢) مادّة غذائيّة مفيدة ينمو في المناطق الباردة و تعتبر ثمرته غذاءً رئيسياً!

(٣) تُصنع من ثمرته موادّ تستعمل في زينة و تجميل النَّاس!

(٤) تُستخدم ثمرته في الموادّ التي نحن بحاجة إليها للنّظافة!

٤. عَيْن الخَطَأ: جذع النَّخْل خشن جدّاً لأنّه

(١) يفرق رأس الغصن و انتهاؤه فيُقطع رأسه فقط!

(٢) عندما يجفّ الغصن لا يسقط من الجذع إلا رأسه!

(٣) يقطع الفلاحون الغصن القديم بعض الأحيان و يبقى أثره!

(٤) النَّخْل هكذا في خلقته و هو ما بقي من جذوع تسقط!

تجربيات و أموخته‌های شما از این متن:

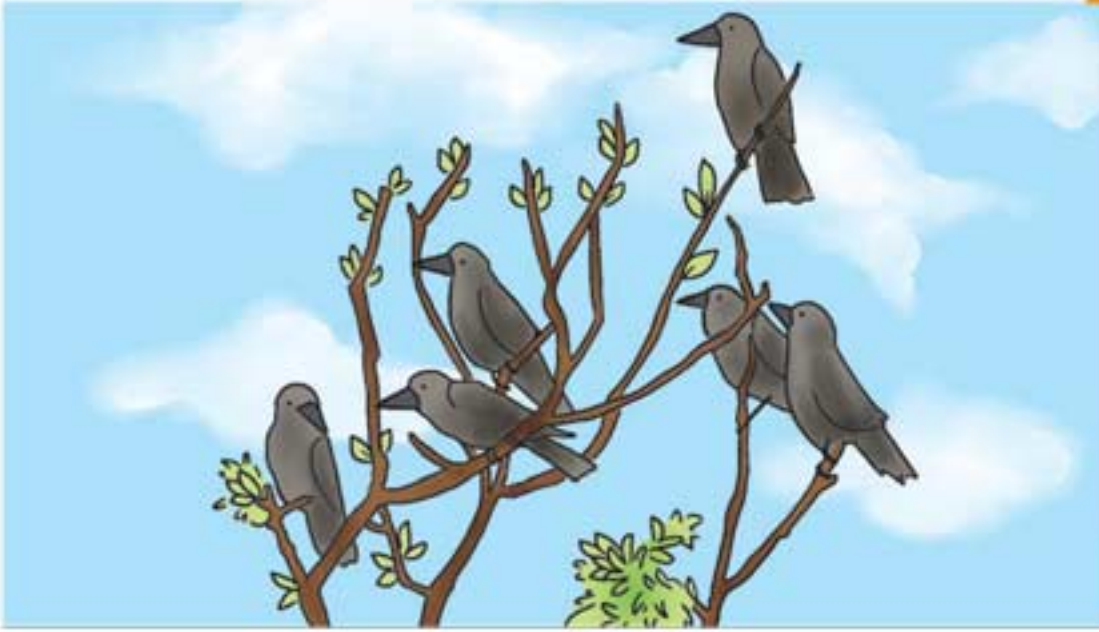
.....

.....

.....

.....

.....



متن

ع



عمومی خارج ۹۸

یَعيش الغراب فی تجمّعات كبيرة و تجتمع أفرادها علی عدد من الأشجار المتقاربة لدفع الإساءة و التعدی علی مملکتها لأنها طیور ضعيفة فی مقابلة الأعداء!

إذا مرض أحدها و لم يقدر علی الطیران، تُراقبه بقية الغربان (ج غراب) فبعد موته تدفنه خوفاً من انتشار مرضه! و تعلّم الإنسان دفن الأموات من الغراب كما ذُكرت قصّتها المشهورة فی القرآن الکریم!
یجمع الغراب الخبز ثم یرمیها فی النهر، و عندما تتجمعُ الأسماك حولها یصيدها بمنقاره، و هكذا یظهر لنا أنّ الغراب طائر ذکی!

۲۱. عین الصحیح: الغراب شبيه الإنسان لأنه

- (۱) یتجمع لكسب التجارب!
- (۲) یعزم علی تدفین المريض!
- (۳) یمنع من انتشار الأمراض!
- (۴) کان مأموراً لتعلیم الإنسان تدفین أمواته!

۲۲. عین الخطأ:

- (۱) یصنع کلّ غراب عشّه علی شجرة واحدة!
- (۲) تتجمع الضعفاء من الغربان معاً لضعفها!
- (۳) إنّ لم يقدر الغراب علی الطیران یمكن أن یموت!
- (۴) إنّ العدو یخاف من اجتماع الغربان و التعدی علیها!



۲۳. عَيْنَ الْخَطَا: إِنَّ الْغَرَابَ ذَكِيٌّ لِأَنَّهُ

- (۱) يأكل السمك!
 (۲) يمدن الميِّت!
 (۳) يستخدم الخبز كطعمة!
 (۴) يستخدم الحيلة للصيْد!

۲۴. عَيْنَ الصَّحِيح: إِنَّ الْغَرَابَ يمدن الْغَرَابَ

- (۱) ليدفع الإساءة و التعدّي عن مملكته!
 (۲) لأنه قويٌّ و يفعل ما يريد!
 (۳) للوقاية من إشاعة الأمراض المتعدّدة!
 (۴) لأنه لا يقدر على الطيران بسبب مرضه!

تجربیات و آموخته‌های شما از این متن:



متن

١٩



خارج ٩٦

أ تعلم أن للتمساح صديقاً مخلصاً من الطيور، حيث نرى بينهما تعاملًا عجيباً! فكثيراً ما نشاهد التمساح قد فتح فكيه الواسعين و أقبل الطائر و دخل في فمه بكلّ طمأنينة ليجمع بمنقاره كلّ ما علّق بين أسنان ذلك الحيوان من الطعام! لذا فقد أنس كلّ منهما الآخر و استحكمت بينهما أسباب الصداقة حتّى أنك ترى الطائر يدخل فم التمساح و كأنه يدخل بيته!

هناك خدمة أخرى يقدمها هذا الطائر للتمساح، فهو يتبع التماسيح في رحلاتها لطلب القوت، فإذا شاهد صيداً أو خطراً، أسرع إلى إنذار التمساح بإيجاد صوت يدرک الحيوان معناه، فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (= صيد) طعمته!

٧٣. عین الصحيح:

- (١) يخشى الطائر من التمساح، و لا يقترب منه أبداً!
- (٢) من أسباب المودة، الشعور باحتياج الواحد إلى الآخر!
- (٣) يصوت التمساح صوتاً عند الشعور بالخطر، فيفرّ الطائر من الخطر!
- (٤) الفائدة المهمة للطائر هي إزالة الجراثيم من فم التمساح بعد دخوله فيه!

۷۴. عین الصحيح للفراغ: يلزم الطائر التمساح في السفرات لـ

- (۱) إنذار التمساح!
- (۲) أنه مونسه و رفيقه!
- (۳) الحصول على الطعام!
- (۴) تنظيف فم التمساح!

۷۵. متى يدخل الطائر فم التمساح؟

- (۱) قبل أكل الطعمة!
- (۲) حين يشعر التمساح بالخطر!
- (۳) بعد اصطياد الطعمة!
- (۴) حين أكل التمساح طعامه!

۷۶. عین الأصح في توصيف «طائر» النص:

- | | |
|-------------------|-------------------|
| (۱) نظيف و نذير! | (۲) مونس و شاهد! |
| (۳) مُنذرو مُنظف! | (۴) صديق و مأكول! |

تجربیات و آموخته‌های شما از این متن:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



متن
۲۷



تجربی ۹۴

المألوف أن يشكر الإنسان أصدقاءه لأنهم عونٌ له على مصائب
الدَّهرِ وبهم يبتهج الإنسان و يأنس ، و كذلك قد تعود الأَنسان أن
يهرب من عدوّه و ممّن ينقده و يشتمه و يذمه ! ولكن بسبب أنّ عين
الصّديق لا ترى معائب صديقه ، حيث إنّ عين المحبّة تستر هذه
المعائب ، فالنتيجة هي بقاء الصّديق على عيوبه !
أمّا عين العدوّ فهي حريصة على البحث عن السيّئات لتعلنها . فلذلك
نضطرّ إلى اجتناب العيوب حتّى لا يقوم العدوّ بإفشائها ليجعلها وسيلة
للسيطرة علينا ؛ و من فهم أنّه يمكن أن يخطأ يبحث عمّن يذكره !
و من نتائج مراقبة العدوّ على كلّ صغيرة و كبيرة منّا أنّنا نزيد إشرافنا على
إصلاح أنفسنا و تهذيب أخلاقنا . فهذه الرّؤية إذا قويت و اعتقد بها جميع
أفراد الأُمّة من الرّؤساء و الكُتّاب و ... تقدّمت البلاد !

۱۰۵. متى يُصبح إعلان النواقص و إفشاؤها مفتاحاً للوصول إلى الفضائل؟

- (۱) حين لم نتوقّع من أنفسنا أنّ أعمالنا كلّها صالحة صحيحة !
- (۲) حين نهتمّ بأنفسنا و لا نُريد أن نبيعها إلى من لا يريدنا !
- (۳) إذا خرجت هذه النواقص عن لسان الأعداء و أقلامهم !
- (۴) إذا زدنا إشرافنا على إصلاح أنفسنا و تهذيب أخلاقنا !

۱۰۶. عین الصحيح:

- (۱) من واجبات العدو إصلاح مفاصد الصديق!
- (۲) لا تتقدم البلاد بالأصدقاء بل بالأعداء البتة!
- (۳) المدح من واجبات الصديق كما أن الذم من واجبات العدو!
- (۴) يساعدنا المعارض بعض الأحيان أكثر من مساعدة الصديق!

۱۰۷. عین الخطأ: من استنتاجات النص هو

- (۱) أنه يجب على الإنسان أن لا يتوقع من نفسه الحسنه دائماً، فلذلك بحاجة إلى التذکر!
- (۲) إنه لا نستطيع أن نجد إنساناً كله خير، فواجبنا تقليل السيئات وتكثير الحسنات!
- (۳) أن من يبحث عن نواقصنا ويظهرها، يرشدنا إلى طريق تقدمنا ورشدنا!
- (۴) أن المجتمع يجب أن يهتم بأعدائه أكثر من أصدقائه!

۱۰۸. عین المناسب لمفهوم النص:

- (۱) الناس للناس بعضهم لبعض وإن لم يشعروا، خدّم!
- (۲) إن الصديق من أظهر عيوبى لا من سترها وحسنها!
- (۳) ليست العظمة أن لا تخطئ أبداً بل فى أن تصلح دائماً!
- (۴) الطريق المفروش بالأزهار لا يؤدى إلى المجد والعظمة!

تجربیات و آموخته‌های شما از این متن:

.....

.....

.....

.....

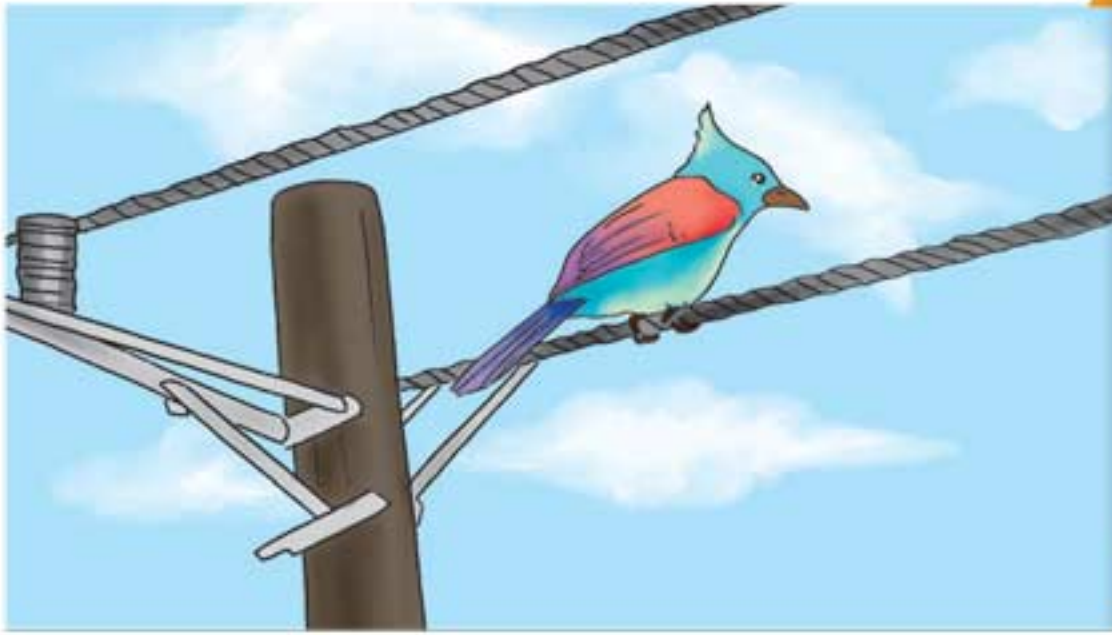
.....

.....

.....

.....

.....



متن

۵۲



انسانی ۹۰

أرأيت حتى الآن خلال سفرتك طائراً واقفاً على سلك (ما يمرّ به الكهرباء) من دون أن يهدّده خطر؟ فكثيراً ما نشاهد طيوراً تحطّ (تنزل) على أسلاك الكهرباء لكنّها لا تصاب بالصاعقة! لماذا؟! تنتقل الطاقة الكهربائية من مراكز الإنتاج إلى المنازل من خلال سلكين، أحدهما يحمل الإلكترونات والآخر يُرجعها، ولكي يصاب الطائر بالصاعقة لا بدّ له أن يلامس السلكين معاً أو يلامس سلك القوّة الكهربائية والأرض! فلهذا مخطر على أيّ شخص يقف ملامساً للأرض أن يلمس أسلاك الكهرباء، حيث يمرّ الكهرباء من السلك إلى الأرض خلال جسمه!

۲.۵. عین الخطأ:

- (۱) مبدأ السلك مصانع إنتاج الكهرباء!
- (۲) لا يوجد فاصل بين السلكين، بل هما ملتصقان!
- (۳) من أحد السلكين تعود الإلكترونات المستخدمة في المقاصد!
- (۴) لا يهدّدنا خطر إذا البسنا حذاء مناسباً وقد لمسنا سلكاً فيه الكهرباء!

۲.۶. عین الصحيح:

- (۱) الطيور لا تصاب بالصاعقة أبداً!
- (۲) يعمل السلكان عملاً واحداً!
- (۳) الأرض قادرة على أن تنقل الكهرباء!
- (۴) يمكن انتقال الكهرباء بسلك واحد!

۳ در هنگام طلوع خورشید گرگ‌ها به صورت جمعی از بین صخره‌ها برای شکار خارج می‌شوند. (گرگ‌ها روزها می‌خوابن، شب‌ها شکار می‌کنن.)
 ۴ آن‌ها شبیه بعضی از انواع سگ‌ها هستند اما نیروی آن‌ها برای شکار از حیوانات دیگر کمتر است. (در شکار قوی‌تر هستند و زورشان هم بیشتره و طعمه رو حمل می‌کنند.)

۱۲. گزینه «۳» کدام در مورد گرگ غلط است: ۱ در هنگام زمستان هنگامی که سرما شدت می‌یابد خشونت و جرأت در او زیاد می‌شود. (ده بار گفتیم) ۲ در مناطقی زندگی می‌کند که زمینش بلند است و آنجا او را به سختی می‌بینیم. (همون مناطق کوهستانی) ۳ گرگ‌ها برای جست‌وجوی غذا در طول سال جمع می‌شوند. (فقط در زمستان به خاطر سرما و کمی غذا جمع می‌شن.) ۴ او حیوانی وحشی و قوی در شکار طعمه‌اش است.

زرافه حیوانی است که گردنی بلند و پاهایی دراز دارد و آن بلندترین حیوان در جهان است. زرافه به آب موجود در برگ‌ها اکتفا می‌کند و برای این می‌تواند در مناطق خشک زندگی کند، اما اگر آب بیابد، از آن بسیار می‌خورد و از برگ‌های جدید درختان تغذیه می‌کند و ویژگی جسمش در خوردن آن‌ها به او کمک می‌کند. زرافه ناچار است که بین دو پای جلوی فاصله بیندازد تا دهانش به سطح آب برسد و فقط به سختی به وضعیت اولیه‌اش برمی‌گردد، از [جمله] چیزهایی که او را در حالی که در آن حالت قرار دارد، در معرض شکار قرار می‌دهد. سرعت زرافه برای حرکت و فرار بسیار بیشتر از حیوانات دیگر است و بر بدنش نقش‌هایی است که به او در مخفی شدن بین درختان کمک می‌کند. زرافه دو گوش متحرک برای شنیدن جهت صدا دارد.

۱۳. گزینه «۳» درست را مشخص کن: زرافه توانایی بسیاری بر تحمل تشنگی دارد ۱ اما هنگامی که به آب برسد، از آن خیلی نمی‌خورد. (إذا وجدت الماء تتناول منه كثيراً.) ۲ زیرا در برگ‌های جدید آب زیادی هست پس فقط از آن‌ها تغذیه می‌کند. (نه، آب هم می‌خوره، پس چی

عجیب نیست اگر بشنویم که شاهین شکارش را با دماغش یافته است. (بله چون حس بویایی داره شکار رو بو کشیده، مثل ماها که از پنج تا خیابون اون طرفتر بوی قرمه سبزی رو حس می کنیم!) **۳** شکار بعد از این که زده می شود و بر زمین انداخته می شود کشته می شود. (بعد از کارهایی که شاهین باهاش می کنه توقع دیگه ای هم نمیشه داشت.) **۴** شاهین همیشه شکارش را زیر نور خورشید قرار می دهد سپس آن را می خورد. (هم قید مطلق داره «دائماً» هم اینکه شاهین تخم و بچه اش رو زیر نور خورشید می گذاشت، نه شکارش رو.) **۳۲**. گزینه «۳» چه چیزی شاهین را از سایر حیوانات متمایز کرده است؟ نادرست را مشخص کن: **۱** چگونگی شکار کردن او با سایرین متفاوت است. (مرحله مرحله بودن شکار، اول کشتنش، بعد خوردنش و... وجه تفاوت با بقیه حیوانات محترم است.) **۲** ماده شاهین روی تخمش نمی خوابد. (بله بچه رو زیر نور خورشید رها می کند.) **۳** بدن نیرومندش مانع پرواز سریع او می شود. (خیر متن گفته «سرعة طیرانه») **۴** مردم او را در زمینه های مادی و معنوی برمی گزینند. (بله مثل استفاده از این بزرگوار روی پرچم یا پرستیدنش.)

متن ۹
 بهلول صدای مرد گریان را شنید که می گفت به بغداد برای تجارت آمدم و در حالی که حامل همه اموالی بودم که آن را در زندگی ام جمع آوری کرده بودم، سپس همه آن را به عطاری که به امانتداری معروف بود دادم... بهلول موضوع را فهمید پس قرار گذاشتند که فردا نزد عطار بروند. بهلول به آن مرد گفت: فردا تو فقط باید امانت خود را طلب کنی! در روز بعد بهلول لباس های شیکی پوشید و نزد عطار رفت و به او سلام کرد در حالی که می گفت: از بزرگی و فضایل تو و امانتداری ات بسیار شنیده ام و می خواهم به جایی دور سفر کنم... پس کیسه ای را که با خود داشت گشود و برخی از آنچه از جواهرات بدلی در آن بود را ریخت...

در همان لحظه تاجر بیچاره به مغازه آن عطار رسید در حالی که به او می گفت: «می خواهم که امانتم را باز گردانم». پس عطار سریع از ترس این که بهلول به خیانت او در امانت پی ببرد امانت او را پس داد. در این هنگام بهلول کیسه را

۹۳. گزینه «۳» ماده‌گرگ چه موقع تولد فرزندان را احساس می‌کند؟ ۱ هنگامی که سرما شدید می‌شود. ۲ هنگامی که باران می‌بارد. ۳ هنگامی که بهار نزدیک می‌شود. (بله در متن گفت در اواخر زمستان یعنی نزدیک بهار.) ۴ در ابتدای تابستان

۹۴. گزینه «۴» نادرست را مشخص کن: ۱ زمانی که خورشید طلوع می‌کند، گرگ در خواب است. (تنام الذئب نهاراً.) ۲ گرگ در زمان‌های تاریک به دنبال غذایش می‌گردد. (تخرج للصيد ليلاً.) ۳ امکان وجود گرگ در مناطقی که در آن‌ها کوه هست، بعید نیست. (المناطق الجبلية) ۴ مادر مسئولیت زندگی را از ابتدا به خود فرزندان واگذار می‌کند. (خیر، ابتدا توله‌گرگ‌ها توانایی دیدن ندارند و مادر مراقب آن‌ها هست بعدش دیگه مستقل می‌شن.)

۹۵. گزینه «۴» نادرست را در توصیف گرگ مشخص کن: ۱ سرعت آن کمتر از آهو است. (توی متن می‌گه سرعت بالای آهو) ۲ قوی پیکر است و گاهی تنها زندگی می‌کند. (قوة خارقة، فردی) ۳ خطرش در تابستان کمتر است. (بله، چون در زمستان که هوا سرده و غذا کمتر، عصبی‌تر میشه.) ۴ هرگز بین درختان زندگی نمی‌کند. (مگه نگفت «داخل الغابات»!؟)

۹۶. گزینه «۱» درست را مشخص کن: متن در موضوع تولد فرزندان درباره صحبت نکرده است. ۱ تعداد فرزندان (سکوت متن) ۲ چگونگی مراقبت (الأم تحرسهم) ۳ حالت فرزندان (فالصغار ... غیر قادرة على الرؤية) ۴ مکان تولد (تبحث أنثى الذئب عن مكان ...)

موجودات زنده در سه ویژگی مشترک هستند: اولی آن‌ها تنفس است، دومی آن‌ها نیازهای غریزی آن‌ها مانند تشنگی و آخری ادامه داشتن رشد آن‌ها تا انتهای زندگی خود. هر چیزی که با این سه ویژگی توصیف نشود، موجود زنده به حساب نمی‌آید.

اما این [موضوع] مانع آن نمی‌شود که هر موجودی ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود را داشته باشد. پس می‌بینیم که بعضی در آب و بعضی دیگر

متن
۲۵

همانا سبب موفقیت افراد موفق بیشتر از آنچه به امکاناتشان بر گردد به ثبات و پایداریشان برمی گردد. قطعاً آنچه در ابتدای امر محال به نظر می‌رسد، ثبات و پایداری می‌تواند آن را حقیقی نماید ولی در کنار این، ما به امور دیگری نیاز داریم. پس شخص باید قبل از هر چیزی طبیعت (ماهیت) کارش را بشناسد. سپس ثبات و پایداری را به‌عنوان سلاحی برگزیند و تلاش را ادامه دهد از یکی از قهرمانان شجاع درباره علت غلبه‌اش بر همه پرسیده شد در حالی که آن‌ها از او قوی‌تر بودند. پس پاسخ داد: به تسلیم شدن اجازه نمی‌دهم که به من نفوذ کند. پایداری و ثبات کلید هر پیروزی است. هنگامی که شخص می‌خواهد که کاری را به ثمر رساند، پس بر او لازم است که بعد از این که آن را شناخته و درک نمود با تمام قوایش به این کار همت گمارد و لازم است که این کار تمامی افکارش را مشغول نماید و این که ترکش نکند. حکایت می‌شود که دانش‌آموزی وجود داشت که به‌سبب مشکلاتش از زندگی مأیوس شده بود پس درس را ترک کرد. روزی پیرمردی را دید که قطعه‌ای آهن به‌دست داشت که به‌وسیله سنگی آن را صیقل می‌داد تا از آن ابزاری برای خیاطی بسازد. پس دانش‌آموز خجالت کشید و شروع به تجدیدنظر در افکار و زندگی‌اش نمود.

۱۰۹. گزینه «۴» دانش‌آموز از کار پیرمرد چه چیزی را فهمید؟ **۱** کار قانون زندگی است پس هر کس بخواهد زنده بماند بر او لازم است که کار کند. (اشتباه نکنید کارکردن پیرمرد عجیب نبود بلکه سختی کار و دور از دست بودنش شگفت‌آور بود که بیانگر انگیزه و اراده شخص انجام‌دهنده هست.) **۲** کار، بزرگ و کوچک و بچه و پیر نمی‌شناسد. (توضیح گزینه «۱» رو بخون.) **۳** هر ضعیفی می‌تواند به‌واسطه نیروی فکر ضعفش را جبران کند پس به هدفش در پایان کار می‌رسد. (هر ضعیفی نه، چون جمله کلی و مطلق شد و همین، کار این گزینه رو خراب می‌کنه. ضمناً به جز فکر، شناخت

درباره گزینه‌های «۲» و «۳»: کامپیوتر به معلم کمک می‌کند که راحت‌تر و بهتر درس دهد نه این که مدرسه تعطیل شود یا این که کامپیوتر جای معلم را بگیرد. گزینه «۴» هم که می‌گه جای معلم و دانش‌آموز عوض می‌شه یعنی مثلاً دانش‌آموز به معلم درس می‌ده یا چی؟ حتی فکر کردن بهش هم باعث آسیب روحی و روانی میشه و دلم می‌خواد رگم رو با ساطور بزنم! شاید هم آره برقی (۱۶۷. گزینه «۴» نادرست را مشخص کن: **۱** احتمال دارد که انسان بعدها کامپیوتر را به جای انسان دیگر به عنوان دوست انتخاب کند. (آره چون متن گفت عواطف و احساسات ما رو می‌فهمه پس ممکنه جای دوست رو بگیره.) **۲** چه بسا تخیلات انسان محقق شود و این رؤیا ممکن است که امروز یک امر واقعی شود. (یعنی ممکنه با پیشرفت علم چیزی که در حال حاضر برای تو آرزوست تبدیل به واقعیت شود... درسته!) **۳** چه بسا در آینده از کامپیوتر مانند قلمی استفاده شود که مرتکب خطاهای املائی نمی‌شود. (برای پیشرفت علم و کامپیوتر چیز بعیدی نیست.) **۴** معلم نمی‌تواند از راه کامپیوتر بر عمل کاربر نظارت کند. (در متن گفت «المعلم یقدر أن یشرف علی کیفیة عملهم».) ۱۶۸. گزینه «۳» آینده جهان را چگونه می‌بینید؟ نادرست را برای پاسخ انتخاب کن: **۱** ارتباطات بین مردم کم می‌شود. (ممکنه با پیشرفت علم، مردم کمتر از نزدیک با هم ارتباط برقرار کنند و بیشتر در فضاهای مجازی مثل اینترنت با هم در تماس باشند یا با آمدن وسایل جدید رغبت انسان‌ها به هم و ارتباطشان کم شود، مثل همین الان که این کرونا همه رو...) **۲** انسان تنها می‌شود و احساس بیگانگی می‌کند. (در سؤال قبل هم گفت که انسان کامپیوتر را به عنوان دوست انتخاب می‌کند پس بعید نیست که رابطه انسان‌ها کم شده و وی احساس غربت و تنهایی کند.) **۳** قطار اختراعات متوقف می‌شود. (کاملاً مشخصه که تا جهان برپاست اختراعات و پیشرفت هم وجود دارد.) **۴** در بعضی از زمینه‌ها انسان احساس راحتی کند. (قطعاً پیشرفت علم، احساس راحتی و آسایش را برای انسان فراهم می‌کند البته از راه در اختیار قرار دادن امکانات جدید.)

۲ زمانی که دانش آموزانش بچشند که فقر و تلخی، شیرین است. (همین؟ فقط شیرین است؟ باعث رشد و تلاش نشه؟ بعدش هم مگه فقر شیرینه؟)

۳ هنگامی که گروهی از متفکرین و صاحبان فکر وارد آن شوند. (مهم اینه که آدم متفکر از اون خارج بشه و اون ساخته دست مدرسه باشه!)

۴ زمانی که درس هایش، دانش آموز را برای روبه‌رو شدن با عرصه‌های پیش رو در زندگی آماده کرده باشد. (استعدادِ لمواجهه شدائد الحیاة)

۱۷۹. گزینه «۱» چه موقع برای انسان جایز است که ناامید شود؟

۱ هنگامی که هیچ اراده و تلاشی نداشته باشد. **۲** اگر نشانه‌های موفقیت در مقابل چشمانش آشکار نشود. **۳** هنگامی که بداند که او همگام فقر است. **۴** در زمانی که تلاش می‌کند ولی نتیجه تلاشش را نمی‌بیند. (پاراگراف آخر می‌گه جایز نیست انسان ناامید شود هر چقدر هم که فقیر باشد، البته به شرط وجود اراده و تلاش، چون موفقیت قابل کسب هست، پس اگر تلاش می‌کنی ناامید نشو، اگر تلاش نمی‌کنی، ناامید شو.)

۱۸۰. گزینه «۳» مفهوم متن این است که **۱** هرکس طعم تلخی و فقر را بچشد پس همه آن‌ها از نردبان موفقیت بالا می‌روند و به آرزوهایشان می‌رسند. (همه و هر کس نه، جمله کلی و مطلق هست. باید در فقر تلاش کنی، صرف فقیر بودن باعث موفقیت نیست.) **۲** کسانی که در آسایش به دنیا آمدند و طعم فقر را حس نکرده‌اند، هیچ‌گاه موفقیت را در زندگی خود نمی‌بینند. (این هم کلی هست و مطلق که غلطه این‌همه بچه‌پولدار داریم که موفق شدند پس نباید بگه «هیچ‌گاه».) **۳** درختانی که بین صخره‌ها می‌رویند از آنچه (درختانی) در باغ (بوستان) می‌رویند قوی‌ترند و انسان هم این‌گونه است. (تأثیر سختی‌ها و فقر در توانمند کردن افراد)

۴ فقر انسان را به جایگاه‌های بالا می‌رساند، پس ما باید به آن توجه کنیم و اجازه ندهیم که از بین برود. (یعنی تا آخر فقیر بمونیم؟ فقر به‌طور مقطعی خوبه نه همیشگی.)

۲۶۹. گزینه «۲» درست را مشخص کن: از ویژگی‌های زبان عربی، توجه به
 ۱ اعراب گذاری‌ها، نقش‌ها، موسیقی و [علم] نحو است. (پس معنا چی؟)
 ۲ اعراب گذاری‌ها، نقش‌ها، معنا و موسیقی است. ۳ موسیقی، نحو، معنا و جایگاه کلمات است. (به اعراب گذاری توجه نشده). ۴ علامت‌های حرف‌ها، نحو، موسیقی و جایگاه کلمات است. (معنا ذکر نشده).

۲۷۰. گزینه «۱» نادرست را مشخص کن: در زبان عربی
 ۱ معنای دقیق را بدون یادگیری قواعد نحو می‌فهمیم. (عمرًا!)
 ۲ چگونگی ادا و بیان کلمه‌ها و توجه به اعراب گذاری‌ها امر مهمی است.
 ۳ لغت‌هایی وجود دارد که چه‌بسا [فرد] عرب آن‌ها را تلفظ می‌کند ولی یک انسان فصیح از آن‌ها دوری می‌کند. (دو خط آخر) ۴ علاوه بر فهم لغت‌ها و علم نحو، به فهم موسیقی کلمه‌ها هم نیاز داریم.

۲۷۱. گزینه «۲» صحیح را مشخص کن: گوینده، جایگاه کلمات را تغییر می‌دهد. ۱ برای تغییر در موسیقی جمله ۲ برای رسیدن به معنا و مفهومی جدید (علی حسب المعنی الذی... ینتخب مکان المفردات) ۳ برای توجه به نقش‌ها و اعراب گذاری‌ها ۴ برای دوری از آنچه بر زبان سنگین است
 (وقتی جواب عیناً توی متن هست جان مادرت استدلال نکن، بریدم دیگه انقد از اول کتاب گفتم.)

۲۷۲. گزینه «۱» صحیح را مشخص کن: کسی که معنای عبارت را نمی‌یابد
 ۱ به نحو (نقش کلمه) و اعراب گذاری کلمات جاهل است. ۲ کسی است که صداها و نحو را نمی‌شناسد. (حرکات چی پس!) ۳ کسی است که به علامت‌های موجود بر روی حروف کلمات اهمیتی نمی‌دهد. (نقش کلمه چی؟)
 ۴ مخاطبی است که نحو را نمی‌شناسد و به نقش کلمات توجه نمی‌کند.
 (حرکت چی؟ تازه نحو و نقش یک چیزه، بچه گول می‌زنی؟)

تذکر: در علم نحو؛ اعراب: نقش کلمه، / علامت: حرکات کلمه



الف

<p>أَجْرِي: جاری کرد أَجَلٌ: به تأخیر انداخت أَجَلٌ: گرانقدرتر، گرانقدرترین أَحَادِيثٌ: سخن‌ها، روایت‌ها (مفرد آن: حدیث) أَخْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ: تارهای صوتی (مفرد آن: حَبْل) أَحَبٌّ: دوست داشت أَحَبٌّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین إِخْتَرَقَ: آتش گرفت إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت إِحْتِفَازٌ: نگاه داشتن إِحْتِفَالٌ: جشن گرفت إِخْتَوَى: دربرداشت إِحْتِيَالٌ: فریبکاری أَخَذَ: کسی، یکی از، یکتا، تنها الْأَخَذَ: یکشنبه أَخَذَ عَشْرًا: یازده إِخْدَى: یکی از إِحْسَانٌ: نیکی، نیکی کردن أَخْسَنَ: بهتر، بهترین أَخْسَنَ: خوبی کرد، خوب انجام داد أَخْسَنَتْ: آفرین برتو، خوب انجام دادی أَخْضَرَ: آورد، حاضر کرد أَحْلَامٌ: رؤیایها (مفرد آن: حُلْم) أَحْلَلٌ: حلال‌تر، حلال‌ترین أَخْمَرَ: سرخ</p>	<p>أَيَّ: آیا أَبٌ (أَبُو، أبا، أَبِي): پدر (جمع آن: آباء) إِبْتَدَأَ: شروع شد إَيْتَسَامٌ: لبخند، لبخند زدن إِبْتَعَدَ: دور شد أَبْدَأَ: تا ابد، همیشه، هرگز أَبْصَارٌ: دیدگان (مفرد آن: بَصْر) إِبْنٌ: پسر، فرزند (جمع آن: أَبْنَاء، بَنُونَ) إِبْنُ آدَمَ: آدمیزاد أَبْيَضٌ: سفید إِتْجَاهٌ: جهت إِتْسَعَّ: فراخ شد إِتِّصَالَاتٌ: مخابرات إِتِّصَلَ بِـ: با ... تماس گرفت إِتَّقَى: پروا کرد أَتَّقَى: پرهیزگارتر، پرهیزگارترین أَتَى: آمد أَتَى بِـ: آورد أَتَارَ: برانگیخت إِثْمٌ: گناه إِثْنَا عَشْرًا: دوازده إِثْنَانٌ، إِثْنَيْنِ: دو إِثْنَيْنِ: دوشنبه إِجَابَةٌ: پاسخ (جمع آن: إِجَابَات) أَجَابَ عَنَ: به ... پاسخ داد أَجْرٌ: پاداش</p>
---	---

إِخْمِنِي: از من نگهداری کن
أَخ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر، دوست
 (جمع آن: إِخْوَةٌ، إِخْوَانٌ)
أَخْت: خواهر (جمع آن: أَخَوَاتٌ)
إِخْتَارَ: برگزید
إِخْتَبَرَ: آزمود
إِخْتَرَعَ: اختراع کرد
أَخَذَ: گرفت، برداشت، برد
أَخَّرَ: به تأخیر انداخت
أَخْرَجَ: درآورد
أَخْضَرَ: سبز
أَخْلَصَ: مُخلص شد، پاکی نیت
 ورزید، خالص گردانید
أَدَاءَ: به جا آوردن، انجام دادن
أَدَاة: ابزار (جمع آن: أَدَوَاتٌ)
أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد
إِدَارَةُ الْمُرُورِ: ادارهٔ راهنمایی و رانندگی
إِدْخَالَ: داخل کردن
أَدْخَلَ: وارد کرد
إِدْعَى: ادعا کرد
أَذْرَكَ الشَّيْءَ: به آن چیز رسید و
 بدان پیوست
أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد، ادا کرد
إِذًا: آنگاه
إِذَا: هرگاه، اگر
أَرَادَ: خواست
أَرْبَعَاءَ: چهارشنبه

أَرْبَعَةٌ، أَرْبَع: چهار
أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل
إِرْتَبَطَ: ارتباط داشت
أَرْدِيَّة: اردو
أَرْدَل: فرومایه، فرومایه‌ترین
 (جمع آن: أَرَادِلٌ)
أَرْسَلَ: فرستاد
أَرْشَدَ: راهنمایی کرد
أَرْض: زمین (جمع آن: أَرْضِيّ)
أَرْضَعَ: شیر داد
إِزْدَادَ: افزایش یافت
أَزْرَقَ: آبی
أَسَاءَ: بدی کرد
أُسْبُوع: هفته (جمع آن: أُسَابِيْعٌ)
أُسْتَاذ: استاد
إِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت
إِسْتَخْرَجَ: بیرون آورد
إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت
إِسْتَشَارَ: مشورت کرد
اسْتِطَاعَ: توانست
إِسْتَعَانَ: یاری جست
إِسْتِغَاثَ: کمک خواست
إِسْتِغْفَرَ: آمرزش خواست
إِسْتَفَادَ: بهره بُرد
إِسْتَقْبَلَ: به پیشواز رفت
إِسْتَقَرَّ: استقرار یافت
إِسْتَلَمَ: دریافت کرد، مسح کرد

عادی: دشمن (جمع آن: عُدَاة)	ظَبَع: چاپ کرد
عاش: زندگی کرد	ظَرَدَ: با تندى راند
عاشِر، عاشرَة: دهم	ظَرَق: کوبید
عاصِمة: پایتخت (جمع آن: عَواصِم)	ظَرِيق: راه
عالم: جهان	ظَعَام: خوراک (جمع آن: أَطعمَة)
عالمین: جهانیان	ظفل: کودک (جمع آن: أَطفال)
عالمیّة: جهانی، بین‌المللی	ظفولة: کودکی
عام: سال	ظَلَبَ: خواست
عام دراسی: سال تحصیلی	ظوبى ل: خوشا به حال
عامل: کارگر (جمع آن: عُمال)	ظویل: طولانی
عاهد: پیمان بست	ظیر: پرنده، پرندگان
عباءة: چادر	ظیران: پرواز، پرواز کردن
عبادة: پرستش	ظین: گل
عَبْد: بنده (جمع آن: عِبَاد)	ظیّار: خلبان
عَبْر: از راه	
عَبْر: عبور کرد	
عَبْرَة: پند (جمع آن: عِبْر)	
عَبور: عبور و مرور	
عَتیق: کهنه	
عُجَب: خودپسندی	
عَجَز: ناتوان شد	
عَجین: خمیر	
عداوة: دشمنی کردن	
عَدَّ: به شمار آورد، شمرد	
عِدّة: تعداد، چند	
عُدوان: دشمنی	
عَدُو: دشمن (جمع آن: اَعْداء)	
	ظاهر: آشکار
	ظاهرة: پدیده (جمع آن: ظواهر)
	ظروف: شرایط (مفرد آن: ظَرْف)
	ظلام: تاریکی
	ظلم: ستم کرد
	ظلمة: تاریکی
	ظن: گمان کرد
	ظَهَرَ: آشکار شد
	ع
	عاب: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد
	عابد: پرستنده